روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه | ۳۱ تیر ۱۴۰۲ | ٤ محرم ۱٤٤٥ | ۲۲ جولای ۲۰۲۳ | سال پانزدهم | شماره ۳۸۱٤ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸٤ سال و ۲۹۰ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.15 | NO.3814 | SAT.JUL.22, 2023 | ISSN:2008-2886

رئیس سابق شاباک با ابراز نگرانی از طرح نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد این موضوع مقدمه جنگ داخلی است

آتش در خانه عنکبوت

صفحه ۷

تحلیلی بر اقدامات بنی‌امیه برای مسخ دستگاه محاسباتی جامعه اسلامی در جهت به ناکامی کشاندن جبهه حق

جهل مردم، زمینه‌ساز قتل سیدالشهدا

صفحه ۵

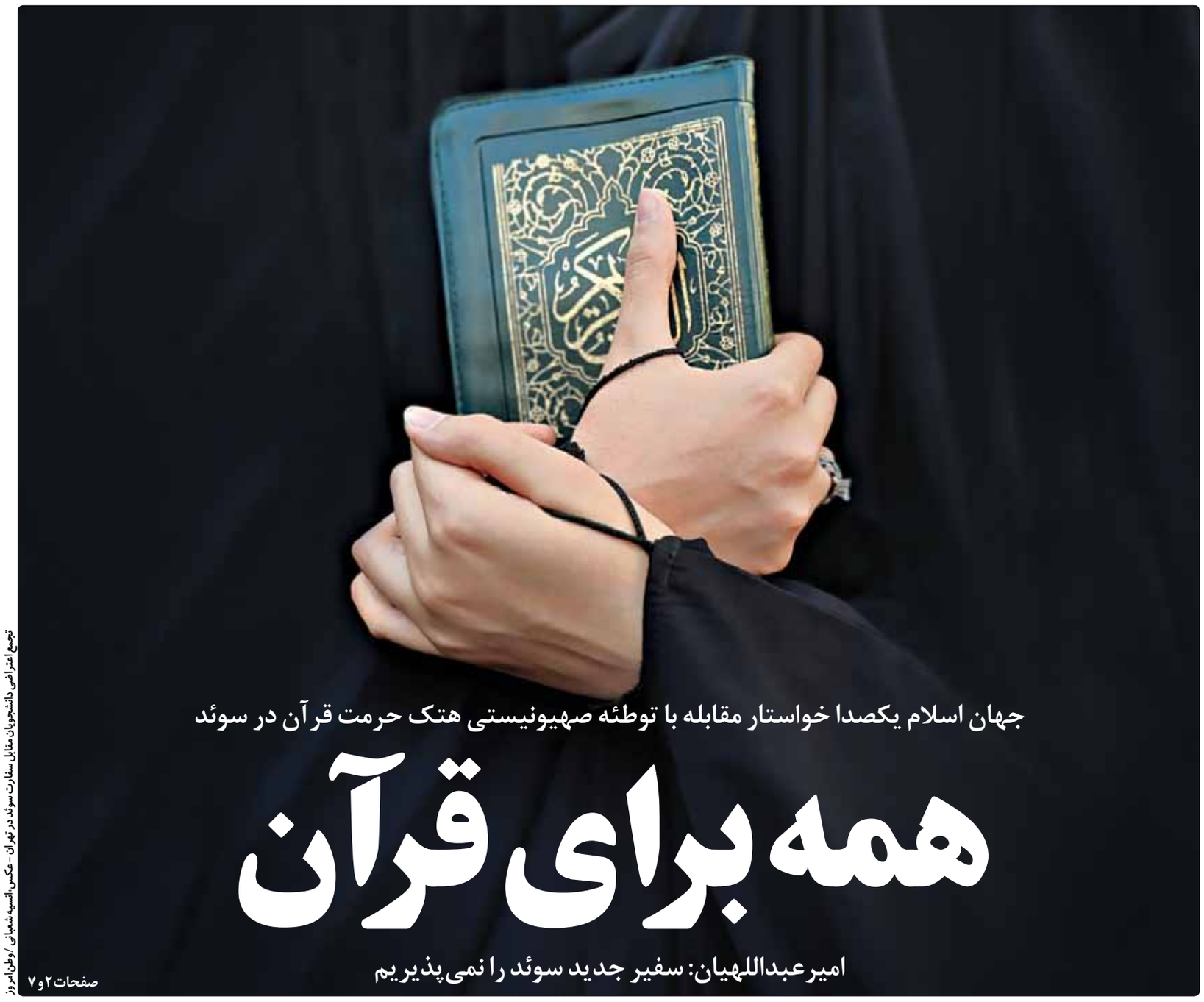

جهان اسلام یکصدا خواستار مقابله با توطئه صهیونیستی هتک حرمت قرآن در سوئد

همه برای قرآن

امیرعبداللهیان: سفیر جدید سوئد را نمی‌پذیریم

صفحات ۲ و ۷

تجمع اعتراضی دانشجویان مقابل سفارت سوئد در تهران - عکس: انسیه شعبانی / وطن امروز

تیترهای امروز

۲,۳ میلیارد دلار بدهی خارجی سال گذشته تسویه شد

بدهی خارجی آب رفت

■ بیشترین میزان بدهی خارجی در یک دهه گذشته مربوط به دولت یازدهم است

صفحه ۳

لزوم تقویت نمایندگان ایران در آسیا در مواجهه و تقابل با سعودی‌ها که هر روز یک ستاره جهانی را جذب می‌کنند

رتوش با فوتبال

صفحه ۶

همایش شیرخوارگان حسینی به یاد شهادت حضرت علی‌اصغر(ع) در سراسر کشور برگزار شد

ایران در ماتم طفل رباب

صفحه ۴

چرا نباید «مختارنامه» را سنگ محک همه تولیدات عاشورایی کرد؟

داستان نامکرر عشق

صفحه ۸

یادداشت امروز

قرآن‌سوزی آغاز داستان است

مهدی محمدی

ما در جهانی زندگی نمی‌کنیم که وقایعی به اهمیت قرآن‌سوزی سریالی در کشوری ظاهرا بی‌طرف چون سوئد را بتوان تصادفی دانست یا حمل بر انگیزه‌های صرفا فردی کرد.

یک نکته بسیار مهم را حین ارائه هر نوع تحلیل یا اتخاذ هرگونه تصمیم درباره این موضوع باید در نظر داشت.

اینکه به وضوح پای صهیونیست‌ها در میان است، مسلم‌ترین مساله در این میانه است. حمایت تلویحی فردی تندرو و کم و بیش دیوانه‌خو مانند بن گویر از این اقدام نشانه روشنی است که نباید آن را دست‌کم گرفت. نتانیاهو و تیم تندرو او که مورد حمایت روحانیون بسیار رادیکال یهودی هستند اکنون در سرزمین‌های اشغالی بشدت احساس تنگنا می‌کنند و با بحران‌هایی مواجهند که در طول تاریخ این رژیم بی‌سابقه است. به طور تاریخی، یکی از تکیه‌گاه‌های صهیونیست‌ها حین مواجهه با بحران شدید داخلی حمایت بین‌المللی از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی بوده است. اکنون اما چنین حمایتی وجود ندارد و برخی کشورهای غربی نیز تا حدی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تداوم حاکمیت گنگسترهای نیمه‌دیوانه در تل‌آویو هزینه‌های بین‌المللی بی‌سابقه‌ای برای آنها خواهد داشت.

کاملا طبیعی و قابل پیش‌بینی است که رژیم اکنون در پی یافتن راه‌هایی برای مجبور کردن کشورهای غربی به از سرگیری حمایت همه‌جانبه خود از تل‌آویو باشد.

نتانیاهو به خوبی می‌داند جنگ بعدی نه حتی از غزه، بلکه از درون کرانه باختری و حتی عمق بیت‌المقدس، بسیار نزدیک است و با حمایت ناچیزی که دولت او در جامعه بین‌المللی از آن برخوردار است محتمل است چنین جنگی به سقوط دولت وی همانند آنچه پس از نبرد «سیف‌القدس» رخ داد منجر شود.

به این ترتیب کاملا طبیعی است اسرائیل پشت موضوع باشد. سابقه این رژیم نشان می‌دهد وقتی یک مساله را امنیتی بداند هیچ خط قرمزی برای خود قائل نیست. انتخاب سوئد به عنوان دولتی ضعیف که همواره تحت نفوذ دولت‌های بزرگ غربی و جولانگاه سرویس‌های اطلاعاتی آنها بوده برای این پروژه نیز کاملا طبیعی و قابل تحلیل در چارچوب سناریوی کلی‌تر است.

تحقق هدف نهایی رژیم مستلزم آن است که این حرکت شنیع ادامه یابد و حتی رادیکال‌تر شود. تنها در صورت وقوع یک رویارویی مذهبی بزرگ با جهان اسلام است که غرب احتمالا آماده خواهد بود اختلافات عمیق خود با دولت نتانیاهو را موقتا کنار بگذارد و از آن در مقابل چالش بی‌سابقه‌ای که گریبانش را گرفته حمایت کند. کاملا قابل پیش‌بینی است که در صورت متوقف نشدن این پروژه بزودی هم کار از قرآن‌سوزی فراتر برود و به اهانت به دیگر مقدسات اسلامی بکشد و هم بازیگرانی جدید وارد میدان شوند و ابعاد مساله را به سرعت از کنترل خارج کنند.

از این رو، این وظیفه دولت‌های اسلامی است که هرچه در توان دارند برای توقف این پروژه و وادار کردن سوئد به ختم غائله انجام دهند. معنای دقیق فرمایش جناب سیدحسن نصرالله در باب ضرورت اخراج سفرای سوئد از کشورهای اسلامی نیز دقیقا همین است و البته گزینه‌ها محدود به همین یک مورد هم نیست.

آخرین قمار اردوغان

یادداشت

شروین طاهری: رئیس‌جمهور ترکیه در تکمیل چرخش‌های عجیب و غریب دیپلماتیک یک ماه اخیر خود، رئیس کابینه رژیم صهیونیستی را به آنکارا دعوت کرده است. البته رجب طیب اردوغان از ۲ سال پیش، به نمایش نعل واروی ضدیت با اشغالگران قدس پایان داده و از ترس جا ماندن از طرح عادی‌سازی روابط شیخ‌نشین‌های عربی با اسرائیل – که دیگر مسجل شده طرحی شکست خورده است - پشت فلسطینیان و گروه‌های مقاومت را در جهت تجدید روابط حسنه با تل‌آویو خالی کرده بود. بهانه دعوت از نتانیاهو در روز ششم مرداد توسط اردوغان که چند روز پس از دیدارش با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان در عمل فروپاشیده بود، ظاهرا به دست گرفتن ابتکار عمل مذاکرات صلح در فلسطین است. مشکل اما اینجاست که هر دو میهمان عرب و اسرائیلی آنکارا عملا در سمت بازنده جنگ در حال شعله‌ورتر شدن در سرزمین‌های اشغالی ایستاده‌اند. در حقیقت به التماس افتادن اردوغان برای گرفتن عکس یادگاری با بنیامین نتانیاهو، سگ هار نجس واشنگتن در خاورمیانه و چهره‌ای بازنده و بشدت منفور حتی بین یهودیان آمریکا و فلسطین اشغالی، چیزی ورای چرخش ناگهانی و سراسیمه آنکارا به سمت غرب در میانه راه چرخش به شرق اردوغان در چند سال متعاقب کودتای تموز (۲۰۱۵) است.

چرخ زدن‌های متوالی سلطان پرزیدنت کاخ آک‌سارای به سبک مجالس سماع قونیه، حکایت از سرگردانی او در بازی سیاست و بلاتکلیفی کشورش در منطقه و جهانی به سرعت در حال دگرگونی دارد. او در کمتر از یک ماه، ناگهان نقش خود را به عنوان یک متحد محترم بالقوه نظم جدید ضد آمریکایی در حال ظهور ترک کرده و به همان نقش قدیمی پاسبان بی‌جیره و مواجب و نامحترم ناتو بر سر پل واسط اروپا و آسیا بازگشته است. همزمان او از هیچ نوع گردن کج‌کردنی در مقابل اقمار غرب فروگذار نکرده است. نماینده کارتل بانکداران صهیونیست فدرال رزرو آمریکا را به ریاست بانک مرکزی ترکیه گمارده تا کشورش را هر چه بیشتر از اتحاد اقتصادی بریکس که آینده اقتصاد جهان خوانده می‌شود دور کند. همچنین به رغم تحقیر مکرر ترکیه توسط اتحادیه اروپایی دوباره برای عضویت در این اتحادیه درخواست بدهد تا بازهم با پاسخ منفی بروکسل تحقیر شود. در ازای قول کمک مالی یک و نیم میلیارد دلاری جو بایدن، به فنلاند و سوئد در مسیر پیوستن به ناتو باج داده تا تتمه استقلال ترکیه در چارچوب این پیمان امنیتی غربی را فدا کرده باشد. درست همزمان با حمایت دولت سوئد از اهانت به قرآن در این کشور، با مقامات استکهلم دست دوستی داده تا دشمنی دنیای اسلام را هم به جان بخرد. حالا با شیطنت‌های علنی در جنگ اوکراین به نفع رژیم دست‌نشانده زلنسکی و اصرار بر اجرای پروژه ضد ایرانی دالان زنگزور، شاید ۲ تن از معدود دوستان شرقی قدرتمندش در مسکو و تهران را هم از دست بدهد. در عین حال ترکیه با ادامه برتری‌جویی در حوزه شرقی مدیترانه و جزیره قبرس، دشمنان قدیمی ترک‌ها یعنی یونانی‌ها را بیش از پیش تحریک می‌کند. بدتر از همه اما شاید دریوزگی او در دست دراز کردن به سوی آن دولت‌های منطقه باشد که تا همین ۳-۲ سال پیش ترکیه اردوغانی، لاف تقابل ایدئولوژیک با آنها را می‌زد. وی که طی ۲ دهه آغازین قرن بیست و یکم میلادی ادعای پیشداری جهان اسلام را داشت، بویژه بعد از بهار عربی که ابتکاری در اصل اخوانی بود، دولت‌های عرب بویژه شیخ‌نشین‌های عربستان و امارات را تحقیر می‌کرد، این روزها برای جمع کردن اعانه برای اقتصاد در حال ورشکستگی ترکیه، کاسه گدایی به دست گرفته و در ریاض و جده و ابوظبی و دوبی دوره افتاده است. در نهایت نیز با دعوت آب و جارو کردن کاخ آک‌سارای برای استقبال از نتانیاهو، جلوی چشم ۲ میلیارد مسلمان و صدها میلیون عرب، از همه آن مواضع غرورآفرین گذشته‌ای که ظاهرا در جهت حمایت از آرمان فلسطین و در نکوهش اشغالگران قدس گرفته بود، استغفار می‌کند.

به نظر می‌رسد اردوغان بعد از ۲ دهه حکمرانی در آناتولی به دیپلماسی بازی با حاصل جمع صفر عادت کرده باشد. دیگر بر همه آشکار شده نقطه ضعف اصلی سیاست خارجی آنکارا همان سیاست‌های برتری‌جویانه رئیس‌جمهور ترکیه در منطقه است که او و ترکیه را در هر حرکت در صفحه شطرنج منطقه، به شکست نهایی نزدیک‌تر می‌کند. شاید برخی بگویند فرصت‌طلبی و بی‌اعتقادی به یک نحله فکری مشخص، مهم‌ترین خصیصه حضور او در راس قدرت و تبدیل شدن به طولانی مدت‌ترین رهبر سیاسی ترکیه پس از آتاتورک تا اینجای کار باشد. با این حال فرق است میان شطرنج‌بازی که از یک راهبرد و چشم‌انداز مطمئن برای بازی با مهره‌هایش سود می‌برد با کسی که صرفا در واکنش به حرکات حریف و برداشتی احساسی که از وضعیت لحظه‌ای بازی دارد، دست به مهره می‌شود.

رجب پاشا که حدود نیم قرن قبل پس از آویختن استوک‌های فوتبال، مدارج قدرت را از چماقداری جماعت صوفی مافیایی موسوم به اسکندرپاشا در محله بیک اوغلوی استانبول آغاز کرده، مثالی روشن از چنین بازیگرانی است که قلدری را به تفکر ترجیح می‌دهند؛ نردبازان و قماربازانی که از قضا از صفحه شطرنج قدرت سر درآورده و رویکردشان به بازی به جای تعمق و مهره‌چینی، لاف‌زنی و زدن مهره‌های حریف است. این چنین سیاستمدارانی معمولا به دنبال موقعیتی می‌گردند که هر از گاهی صفحه بازی را به هم بزنند، غافل از اینکه حتی اگر موفق به این کار شوند - مثل کاری که اردوغان در سوریه کرد - خود را در یک صفحه بازی وسیع‌تر با حریفانی قدرتر در موقعیتی متزلزل‌تر از قبل می‌یابند.

با این وصف، در ۶۹ سالگی اردوغان در حالی که به نظر می‌رسد بعد از ربع قرن پیشروی مقتدرانه و حتی غلبه بر کودتا، سرانجام در یک عرصه (سرطان) مغلوب شود، رفته‌رفته چشم‌انداز شکست‌ها و افتضاحات بزرگ در افق نمایان می‌شود. اوضاع چنان پیش می‌رود که اردوغان میراثی نامیمون برای کشورش به جا گذارد.

در هفته‌ای که گذشت لیر که هر ۲۷ واحد آن با یک دلار آمریکا برابری می‌کند، در نازل‌ترین موقعیت تاریخ خود قرار گرفت.

اقتصاد فلک‌زده ترکیه ۳ مزیت ارزآورانه خود یعنی صادرات، توریسم و ترانزیت را از دست می‌دهد. جامعه بشدت واگرا و قومیت‌گرای ترکیه در قطبی‌ترین حالت خود از دوران تثبیت امپراتوری عثمانی (حدود ۵ قرن پیش) قرار گرفته است. هر دوی این عوامل به رکود توریسم این کشور نسبت به دوران طلایی دهه‌های گذشته دامن می‌زند.

همزمان، آنکارا ابتکار عمل برای حفظ محوریت ترانزینی فلات آناتولی به عنوان پل تاریخی میان شرق و غرب را در رقابت با راهگذرهای نوین شمال-جنوب به محوریت ایران، خلیج‌فارس- مدیترانه به محوریت شام و بین‌النهرین و همچنین کریدور شبه‌جزیره عربی از دست می‌دهد.

اردوغان در چرخش‌های اخیر خود به وضوح از ایجاد محملی دیپلماتیک یا دست کم منطقی برای چرخش‌های متناقض ذکر شده در سیاست خارجی آنکارا عاجز نشان می‌دهد. گویی با آخرین قمارش در بازگشت به آغوش غرب و اقمارش چنان از خود بی‌خود شده که تمام رشته‌های چند سال اخیر برای تنش‌زدایی در منطقه پیرامون فلات آناتولی را پنبه کرده است. مسیری که رجب پاشا انتخاب کرده، نه تنها فرسنگ‌ها دور از قول‌هایی است که اخیرا برای تنش‌زدایی در شمال سوریه و عراق، قفقاز، حوزه دریای سیاه و شرق مدیترانه داده، بلکه به تنش‌زایی بیشتر ختم خواهد شد.

به این ترتیب ترکیه در دوره گذار نظم جهانی در حال تبدیل به یک مساله غیر قابل حل حد فاصل حوزه‌های جدید در حال بازتعریف شامل اوراسیا، مدیترانه شرقی و خاورمیانه است. تاریخ فراموش نمی‌کند آخرین باری که اسلاف عثمانی‌چی اردوغان چنین وضعی را تجربه کرده بودند، نتیجه‌اش تجزیه قلمروی بزرگشان در جریان تثبیت نظم جهانی پیشین بود.

هزینه سنگین سوئدی‌ها

دیدگاه

اسدالله رمضان‌زاده: هتک حرمت چندباره کتاب آسمانی و مقدس مسلمانان جهان در سوئد، بار دیگر پرده از چهره واقعی مدعیان آزادی بیان و حقوق بشر برداشت. تکرار قرآن‌سوزی در استکهلم با موافقت دولت و حمایت پلیس، آن هم با وجود اعتراضات گسترده‌ای که قبلا در این خصوص صورت پذیرفته است، نشان‌دهنده اسلام‌ستیزی سیستماتیک و سازمان‌دهی‌شده‌ای است که نهادهای رسمی سوئد در تبلور و استمرار آن نقش دارند. ترسیم این سیکل رفتاری چندان دشوار نیست.

– سوئدی‌ها مدعی می‌شوند قوانینی که توهین به مقدسات را در سوئد ممنوع در نظر می‌گرفت از دهه ۱۹۷۰ تاکنون لغو شده و فعلا قانون جدیدی نیز در این خصوص وضع نشده است!

– قرآن‌ستیزان تحت هدایت دستگاه امنیتی سوئد (SAPO) و با هماهنگی دوطرفه‌ای که میان آنها و احزاب راست میانه و سوسیال ـ دموکرات در این کشور وجود دارد، براحتی و با استناد ظاهری به قانون اساسی کشورشان در برابر مساجد یا سفارتخانه‌های کشورهای مسلمان دست به قرآن‌سوزی می‌زنند.

– پلیس به عنوان نهادی که تابع دولت و نهادهای امنیتی است، ماموریت صیانت از برگزاری آزادانه این مراسم وقیح را برعهده گرفته و مهار مسلمانان معترض در نزدیکی محل این جنایت را در دستور کار قرار می‌دهد.

– مقامات دولتی و اکثر رسانه‌های سوئدی نسبت به این مساله ابراز تاسف می‌کنند اما آن را جزئی از تعهد خود به آزادی بیان قلمداد می‌کنند!

– پارلمان و شورای اروپا نیز با سکوت در برابر این رویکرد وقیح، آن را امری عادی قلمداد کرده و در مقابل، هرگونه تحرک اعتراضی در نقاط گوناگون جهان علیه قرآن‌سوزی در سوئد را نماد فقدان احترام به آزادی بیان جلوه می‌دهند!

– دبیرکل سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای نرم و بدون هزینه برای استکهلم، صرفا از سوئدی‌ها می‌خواهد نسبت به حساسیت‌های موجود در میان پیروان ادیان دیگر، توجه لازم را داشته باشند!

این همان چرخه‌ای است که بارها طی شده و این بار نیز شاهد آن هستیم! شکسته شدن این چرخه، در گرو «خلق هزینه برای اسلام‌ستیزان» در سوئد و دیگر کشورهای اروپایی است. این هزینه می‌تواند اقتصادی، سیاسی یا تبلیغاتی باشد اما هر چه باشد، باید منجر به بر هم ریختن رابطه اجزای این چرخه عملیاتی شود. تنها واکنش هزینه‌ساز مسلمانان و پیروان ادیان ابراهیمی علیه دولت و نهادهای امنیتی سوئد و حامیان اسلام ستیزی در اروپاست که چنین چرخه‌ای را در هم می‌شکند.

سوئدی‌ها با تکرار عامدانه اعطای مجوز به فرد قرآن‌ستیز و حفاظت دوباره از وی در مقابل مسلمانان خشمگین ساکن این کشور، علنا علیه جهان اسلام اعلان جنگ کرده‌اند. در اینجا شاهد طراحی و اجرای یک دستورالعمل گفتمانی و امنیتی در سوئد هستیم. قرآن‌ستیزی، نفرت از مسلمانان، نژادپرستی و... از جمله مبانی و الگوهایی هستند که توسط نهادهای پنهان و آشکار قدرت در سوئد و برخی کشورهای اروپایی دیگر رواج داده می‌شود. فراموش نکنیم سوئدی‌ها در مدیریت این چرخه منفور، تنها نیستند. با توجه به روابط خاصی که میان سازمان اطلاعاتی سوئد و ۲ سازمان جاسوسی سیا و موساد وجود دارد، استکهلم به‌تنهایی چنین ریسکی را نپذیرفته است.

در اینجا با شبکه‌ای مواجه هستیم که خروجی هم‌افزایی اجزا و بازیگران آن، اهانت رسمی و علنی به قرآن کریم در راستای تقویت اسلام‌ستیزی سیستماتیک در کشورهای گوناگون است. چنین چرخه‌ای (و شبکه هادی آن) را باید در همین نقطه کنونی در هم شکست اگرنه تکرار این روند در آینده نزدیک اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

نگاه

اکران یک ذلت؟!

نوید مؤمن: مقامات ژاپنی از زمان بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی در سال ۱۹۴۵ میلادی و پایان جنگ دوم جهانی تاکنون، هرگز به اندک بازماندگان آن حادثه و نسل‌های بعدی درباره چرایی عادی‌سازی روابط با آمریکا یا هضم خود در مناسبات آن سوی آتلانتیک توضیح قانع‌کننده‌ای نداده‌اند! برخی مقامات ژاپنی قرابت راهبردی با کشوری که در عرض یک چشم بر هم زدن ۲۱۰ هزار شهروند ژاپنی را با بمب اتم کشته نماد «گذار از تاریخ تلخ جنگ جهانی» و برخی مقامات دیگر، همپیمانی با واشنگتن در شرق آسیا را نماد واقع‌گرایی در جهان بی‌رحم سیاست قلمداد می‌کنند! مقامات ژاپنی، تمرکز بر چهره پلید واشنگتن در شرق آسیا را خط قرمز فرهنگ سیاسی ژاپن تلقی می‌کنند، زیرا این تصویر به خودی خود بسیار زننده است! اگر واقعیت آمریکا بر ذهن جوانان و نسل‌های جدید ژاپنی نقش بندد، دیگر نمی‌توان با خلق تصاویری کاذب و نمایش‌های گمراه‌کننده چنین تصویری را تغییر داد.

مقامات ژاپنی در طول تاریخ پس از جنگ دوم جهانی، بارها خفت خود در برابر آمریکا را توجیه کرده‌اند: آنها حضور نیروهای اشغالگر آمریکایی در جزیره اُکیناوا را به مثابه بخشی از یک معامله امنیتی جلوه داده و مشارکت در عملیات‌های برون‌مرزی ناتو را گامی در راستای تقویت نظامی کشورشان قلمداد می‌کنند! حتی ژاپنی‌ها از اینکه به سپر بلای واشنگتن در جدال همیشگی با پیونگ یانگ تبدیل شوند نیز ابایی ندارند. توکیو در کنار واشنگتن و سئول، هر ۳ نقش بسزایی در تحریک پیونگ یانگ در شرق آسیا و بی‌ثبات‌سازی این منطقه ایفا کرده‌اند.

مهار چین در نظام بین‌الملل و ناآرام‌سازی حیاط خلوت پکن در آب‌های دریای چین جنوبی و تایوان، ماموریت مشترک دیگر آمریکا و ژاپن در مواجهه با اژدهای زرد محسوب می‌شود.

با خطاهای ژاپنی‌ها در عرصه سیاست خارجی و هزینه‌های آن فعلا کاری نداریم اما در اینجا قاعده‌ای وجود دارد که نمی‌توان منکر آن شد: شاید ژاپنی‌ها بتوانند بازی در زمین آمریکا را با استناد به انواع تکنیک‌های جنگ روانی و تبلیغاتی توجیه کنند اما قطعا نمی‌توانند یک «تاریخ تلخ و دهشتناک» را در آینده به یک «فیلم دراماتیک» تبدیل کنند! ماجرا به اکران احتمالی فیلم تاریخی «اوپنهایمر» (Oppenheimer) به کارگردانی «کریستوفر نولان» باز می‌گردد. در این فیلم، «کیلین مورفی» در نقش «رابرت جی. اوپنهایمر» پدر بمب اتم و سازنده سلاح مرگ در بمباران هیروشیما و ناگازاکی بازی کرده است. اکران این فیلم در آمریکا و چند کشور جهان کلید خورده است.

ادامه در صفحه ۶